

# رجال نجاشی

## مهمترین کتاب

### رجالی شیعه<sup>۱</sup>

#### تدوین احادیث و آثار اسلامی<sup>۲</sup>

تدوین و کتابت احادیث و آثار اسلامی در بین شیعه، از همان زمان رسول گرامی اسلام (ص) شروع شد، حضرتش کتاب بس عظیمی را که حاوی بسیاری از احکام اسلامی بود، به علی (ع) املاء نمود و حضرت علی (ع) با خط مبارکش آن مطالب گرانبها را به رشته تحریر درآورد، این کتاب به نام کتاب علی (ع)<sup>۳</sup> معروف و مشهور است، البته حضرت علی (ع) غیر از کتاب مذکور، کتابهای دیگری نیز نوشت که به عنوان نمونه می توان از جفر، جامعۀ و مضمحف فاطمه (ع)<sup>۴</sup> نام برد.

پس از رحلت رسول خدا (ص)،

# رجال نجاشی

بناجمه

الشیخ النبی ابوالباس نجاشی بن اسحاق بن البتیس  
النجاشی الکوفی

۲۳-۲۵

توسعه انتشارات اسلامی، قم  
مطبعه دارالکتاب و المطبعه

#### علی رغم اینکه کتابت و تدوین حدیث

.....

۱- رجال نجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، نوشته احمد بن علی ابوالعباس نجاشی، تحقیق و تصحیح استاد سیدموسی شبیری زنجانی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ۴۹۰ صفحه.

۲- این موضوع، شایان تحقیقی بس عمیق بود که از عهدۀ این مقال خارج است و در اینجا فقط دورنمایی از آن ذکر می شود که متناسب با مقاله است.

۳- کتاب مزبور که نامهای دیگری نیز دارد، مانند «کتاب آداب علی»، «صحیفه الفرائض»، «کتاب علی باسلام رسول الله»، نزد امام باقر (ع) موجود بوده و آن حضرت در مذاکرات خود، آن را به برخی از یارانش نشان داده است، رجوع شود به رجال نجاشی طبع جدید ص ۳۶۰.

۴- ارشاد شیخ مفید، طبروت، ص ۲۷۴، برخی می گویند «جفر» و «جامعه» یک کتاب است و بعضی گویند جفر و جامعه، جزئی از

از طرف خلفای سه گانه منع می شد،<sup>۵</sup> مع الوصف تعدادی از محدثان و راویان — بویژه از شیعیان — به این امر همت گماردند و تا حدودی این مهم را انجام دادند، و در همین ایام بود که سَلْمَان، أَبُو ذَرٍّ، أَبُو رَافِعٍ، أَصْبَحُ بْنُ نُبَاتَةَ، سُلَيْمُ بْنُ قَيْسِ هِلَالِيٍّ، مَيْثَمُ تَمَارٍ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي رَافِعٍ وَعَبِيدُ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ (این دو بزرگوار، نویسنده و دفتردار علی (ع) بودند) و... کتابها و جزوه‌هایی در تدوین حدیث و آثار اسلامی نگاشتند.<sup>۶</sup>

باری، تا اواخر قرن اول هجری، وضع بدین منوال بود، تا اینکه در آخر قرن اول و آغاز قرن دوم، در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز (۹۸ یا ۹۹ — ۱۰۱) این ممنوعیت برداشته شد و خلیفه مذکور دستور تدوین و کتابت حدیث را رسماً صادر کرد.<sup>۷</sup> از این زمان به بعد — خصوصاً در هنگام انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس<sup>۸</sup> — بود که مسلمانان دست به تألیفات جامعی زدند و کتابهای مفصل و مبوی نوشتند که پاره‌ای از آنها در بین اهل سنت چنین است:

۱ — مُوَكَّلًا مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ (متوفای

۱۷۹ قمری).

۲ — مُسْنَدُ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَلْبَالِيسِي

(متوفای ۲۰۴).

۳ — مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ (متوفای

۲۴۱).

۴ — صَحِيحُ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ

بُخَارِيٍّ (متوفای ۲۵۶).

۵ — صَحِيحُ مُسْلِمِ بْنِ حُجَّاجٍ

(متوفای ۲۶۱) و...

.....

→ کتاب علی (ع) هستند، برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب «مکاتیب الرسول»، استاد علی احمدی، ط‌نشریس، ص ۵۹ — ۸۹، و گویا این کتابها از موارد انمه (علیهم السلام) و مختصات آن بزرگواران بوده است.

۵ — برخی از محققان عصر حاضر بر این عقیده‌اند که منع کتابت حدیث ریشه سیاسی داشته است.

۶ — معالم الطمء، ابن شهر آشوب، ط نجف، ص ۲، تأسیس الشيعة، سيدحسن صدر، ط اعلمی تهران، ص ۲۷۸ — ۳۸۳.

۷ — تأسیس الشيعة، ص ۲۷۸.

۸ — مشهور است که منع کتابت حدیث در بین اهل سنت، در زمان عمر بن عبدالعزیز پنجمین خلیفه مروانی برداشته شد، ابن حجر عسقلانی، طرفدار این نظریه است، ولی ذهبی در «تذکره الحفاظ» (به نقل تأسیس الشيعة ص ۲۷۹) می‌گوید: «رفع منع کتابت حدیث در زمان انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس بود، گویا قول صحیح آن است که منع کتابت حدیث در زمان خلیفه مذکور لغو شد، اما شروع تدوین کتابهای جامع، هنگام انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس بود». علامه شیخ مصطفی عبدالرزاق می‌نویسد: «تدوین حقیقی سنن، مابین سالهای ۱۲۰ تا ۱۵۰ هجری بوده است». تمهید لتاریخ الفلسفة الاسلامیة ص ۱۹۵ و ۱۹۸ به نقل از: أضواء علی السنة المحمدیة، ابو زیه، ص ۲۶۱.

شیعیان که از پیشگامان جمع‌آوری احادیث و آثار اسلامی بوده و خیلی زودتر از اهل تسنن به این امر پرداخته بودند، پس از شکسته شدن منع مزبور، وقتی میدان را بازدیدند، و از طرفی هم پیشوایان آنان یعنی ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) بویژه امام باقر و امام صادق (ع) آنها را به این کار ترغیب و تشویق می نمودند،<sup>۹</sup> بیش از پیش اقدام به تصنیف و تألیفات پر بار نموده و کتابهای باارزشی نگاشتند.

تعداد این کتابها از زمان حضرت علی (ع) تا عصر امام حسن عسکری (ع) به چهار صد عدد رسید، که اصطلاحاً به آنها اصل و به کلیه آنها اصول اُزَّعِیَء<sup>۱۰</sup> می‌گویند، آنگاه پس از امام حسن عسکری (ع) تصنیفات جامع‌تری به رشته تحریر درآمد که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱ - قحَّابین<sup>۱۱</sup> احمد بن محمد بن خالد بَرَقَی (متوفای ۲۸۰ یا ۲۷۴).
- ۲ - بَصَائِرُ الدَّرَجَاتِ محمد بن حسن بن قُرُوح صَفَّار (متوفای ۲۹۰).
- ۳ - أَلْجَامِيعُ فِي الْحَدِيثِ<sup>۱۲</sup> محمد بن حسن بن احمد بن ولید (متوفای ۳۴۳).
- ۴ - کافی محمد بن یعقوب بن

إِسْحَاقُ كَلْبِیْنِ (متوفای ۳۲۸ یا ۳۲۹).

۵ - كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْهُ محمد بن علی بن بابویه (متوفای ۳۸۱).

و ...

تأسیس علم رجال و رجالیون پیشین شیعه

پس از آنکه خورشید درخشان عمر رسول اکرم (ص) غروب کرد و حضرتش دارفانی را وداع نمود، دشمنان اسلام که با پرده نفاق، داخل جمع مسلمانان شده بودند، اعم از یهود،

.....

۹ - در این مورد نگاه کنید به کتاب شریف کافی مرحوم کلینی، ج ۱ ص ۵۱ - ۵۳، باب (روایة الکتب والحديث).

۱۰ - معالم العلماء، ص ۳، البسته این نظریه مرحوم شیخ مفید است، ولی صاحب وسائل الشیعة و صاحب تأسیس الشیعة بر این عقیده‌اند که خیلی بیش از اینها بوده است، رجوع شود به وسائل ج ۲۰ ص ۴۹ و تأسیس الشیعة ص ۲۸۷.

۱۱ - این کتاب مشتمل بر صد باب بوده که متأسفانه فقط چهارده باب آن در دست است و از مابقی آن اطلاعی نیست.

۱۲ - کتاب «بصائر الدرجات» صفار دو مرتبه چاپ شده است، ولی از «جامع» ابن ولید چیزی در دست نیست، علامه حاج آقا بزرگ تهرانی احتمال داده که کتاب یاد شده نزد شیخ طوسی و سید بن طاووس و هم چنین نزد میرزا گملاً، داماد مرحوم مجلسی موجود بوده است، الذریعه، ج ۵ ص ۲۹.

کفار قریش و... برای اغراض فاسد و اهداف شیطانی خود و ضربه زدن به دین نوپای اسلام، شروع به تحریف و تبدیل احادیث نمودند و از خود به نام پیامبر اسلام (ص) حدیث جعل و بین مردم پخش می‌کردند.

این کار که بزرگترین خیانت به اسلام و مسلمین بود، در عصر خلافت معاویه، به اوج خود رسید، او دستور داد روایاتی به نفع بنی امیه و بر ضرر بنی هاشم و فرزندان ابوطالب جعل کنند و در سراسر جهان اسلام منتشر نمایند.<sup>۱۳</sup> این کار به طوری شایع شد که افرادی در آن تخصص پیدا کردند و مهندس ماهری در امر حدیث‌سازی شدند!<sup>۱۴</sup> علماء و محدثان شیعه و سنی در همان هنگام تدوین احادیث، و یا اندکی پس از آن، به این دسیسه، پی بردند و دیدند اگر بنا باشد هر چه را که هرکس به نام رسول الله (ص) و یا ائمه (ع) می‌گوید، قبول کنند و بدون نقد و بررسی بپذیرند، دیری نمی‌پاید که جوامع روایی آمیخته به حدیثهای جعلی و روایات کذب می‌شود، لذا براین شدند که همراه و همگام با تدوین احادیث، علمی را به نام علم رجال تأسیس نمایند که طبق قواعد و ضوابط آن، از وارد شدن اکاذیب و

ابطال در کتابهای روایی جلوگیری کنند.

علم رجال - که نزدیکی بسیار زیادی با علم تراجم (شرح حال) دارد - عبارت است از:

دانشی که در آن از شناسائی راویان و پاره‌ای از اوصاف و عقائدشان که در عدالت و وثاقت و صحت گفتار آنان دخالت دارد، بحث می‌شود.

به وسیله این علم و علم مصطلح الحدیث است که تا حدودی می‌توان راستگورا از دروغگو و حدیث صدق را

.....

۱۳ - النصاب الکافیة، محمد بن عقیل علوی، ص ۷۲ - ۷۳، البته جعل حدیث انگیزه‌های دیگری نیز داشته است، برای اطلاع رجوع شود به کتاب «المترجمات فی الآثار والاختبار» هاشم معروف حسنی و «تحول علم حدیث» دکتر مصطفی اولیائی ص ۲۷ - ۲۸.

۱۴ - ماجرای آن شخصی که پیاز می‌فروخت، ولی مشتری نداشت و به اصطلاح بازارش کساد بود، بعد رفت نزد ابوهریره و از او کمک خواست، آنگاه ابوهریره بی‌درنگ حدیث کذایی واجب شدن بهشت بر خورنده پیاز «عکا»، را جعل کرد!! و وقتی معاویه پرسید: پیامبر (ص) این حدیث را کجا فرمود؟ ابوهریره در پاسخ گفت: آنجا که فرمود: «معاویة خال المؤمنین» گواه گویایی براین مدعی است! تحول علم حدیث، ص ۲۸. نگارنده پاره‌ای از این ماجراهای غمناک و تأسف‌انگیز را در نوشتاری که پیرامون حضرتین ابی طالب (ع) دارد، خواهد آورد.

از کذب، تشخیص و تمیز داد.<sup>۱۵</sup>

گرچه علم رجال نتوانست  
صددرصد از ورود احادیث جعلی در  
جوامع روایی جلوگیری نماید  
— بخصوص در بین اهل سنت<sup>۱۶</sup> —  
ولی انصافاً خدمت بسیار بزرگی به  
عالم اسلام نمود و تا حد بسیار  
زیادی از داخل شدن اساطیر و  
اسرائیلیات به کتابهای روایی،  
جلوگیری کرد.

در بین علمای شیعه شخصیت‌های  
عظیم و بارزی بودند که از متخصصین  
علم رجال و تراجم به شمار می آمدند و  
در این رشته، تخصص و مهارت خاصی  
داشتند، گرچه سر سلسله رجالیون اقدم  
شیعه به همان سده نخستین هجری  
می رسد.<sup>۱۷</sup> ولی شکوفائی این علم در  
نیمه آخر قرن دوم و اول قرن سوم بود، در  
این دوران افراد برجسته ای ظهور کردند  
و دارای تألیفات گران قیمتی در این  
علم بودند متأسفانه اکثر آن کتابها از  
حوادث روزگار جان سالم بدر نبردند،  
البته جای خوشبختی است که مقداری  
از مطالب آنها با واسطه به دست ما  
رسیده و برای نسلهای بعد به یادگار  
مانده است.

از رجالیون پیشین تشیع از این افراد  
می توان نام برد:

عبدالله بن جبلة بن حبان (متوفای

.....

۱۵ — فرق رجال با تراجم آن است که در  
تراجم تمامی اوضاع و احوال فرد از تولد تا وفات  
مورد شرح و بررسی قرار می گیرد، ولی در علم رجال  
فقط اوصافی مورد کنکاش واقع می شود که در راه  
شناخت گفتار صحیح آنان دخالت داشته باشد،  
برخی از دانشمندان، موضوع علم رجال را اعم  
گرفته اند که قهراً علم تراجم هم جزء علم رجال  
می شود، برای آگاهی بیشتر رجوع شود به الذریعه،  
ج ۱۰ ص ۸۰ و یادنامه علامه امینی، ص ۳۷۳،  
مقاله آقای سیدعلی خامنه ای.

۱۶ — احمد بن حنبل از ۷۵۰ هزار حدیث که  
جمع آوری کرده بود، فقط حدود ۳۰ هزار عدد آن را  
در «مسند» خود نقل کرد!! و مسلم بن حجاج از  
۶۰۰ هزار حدیثی که گردآوری نموده بود به حدود  
چهار الی پنج هزار حدیث آن اعتماد داشت و لذا  
فقط آنها را در «صحیحش» درج کرد!! و نیز  
سیوطی کتابی دارد به نام «جامع کبیر» که حاوی  
صد هزار حدیث است، ولی خودش شخصاً اعتراف  
کرده که نود هزار آن دروغ بوده و قابل شک است!!  
چاپ این کتاب در کشور مصر سر و صدای زیادی  
راه انداخت! جالب توجه آنکه سبط ابن الجوزی  
احادیث جعلی را در ۳ جلد کتاب جمع کرده و نام  
آن را «الموضوعات» نهاده! کتاب نامبرده در سال  
۱۳۸۶ق در مدینه منوره به طبع رسیده است! و  
کتابهای دیگری نیز در این زمینه نوشته شده است.

۱۷ — حدود سال ۴۰ هجرت بود که عبدالله بن  
ابی رافع نویسنده و دفتردار علی (ع)، اسامی آن عده  
از اصحاب رسول اکرم (ص) را که در جنگ  
«جمل»، «صفین» و «نهروان» با علی (ع) شرکت  
کرده بودند، به رشته تحریر درآورد، فهرست شیخ  
طوسی، ط نجف، ص ۱۰۷، علامه بزرگوار شیخ آقا  
بزرگ تهرانی، عبدالله بن ابی رافع را نخستین رجال  
نویس شیعه می داند، الذریعه ج ۱۰ ص ۸۳.

۲۱۹)،<sup>۱۸</sup> حسن بن علی بن فضال (متوفای ۲۲۴)،<sup>۱۹</sup> ابراهیم بن محمد تقفی (متوفای ۲۸۳)،<sup>۲۰</sup> احمد بن علی عقیقی (متوفای اوائل قرن سوم)،<sup>۲۱</sup> محمد بن عمر بن عبدالعزیز گشی (متوفای نیمه قرن چهارم)،<sup>۲۲</sup> محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹)،<sup>۲۳</sup> محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی (متوفای ۳۴۳)،<sup>۲۴</sup> احمد بن محمد ابوغالب زُراری (متوفای ۳۶۸)،<sup>۲۵</sup> محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱)،<sup>۲۶</sup> و...

پس از افراد مذکور، دانشمندان رجالی دیگری پا به عرصه گیتی نهادند و با پرتو افشانی خویش، جهان علم و تراجم و رجال را نور افشانی کردند، مانند: احمد بن محمد بن نوح سیرافی (متوفای بعد از ۴۰۸)، احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری (متوفای ۴۱۱)، احمد بن علی ابوالعباس نجاشی (متوفای ۴۵۰) محمد بن حسن، شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) و...

#### نجاشی سرآمد رجال نویسان شیعه

یگانه اندیشمندی که سرآمد رجال نویسان شیعه و دریای علم رجال و تراجم و نسب بود، واکثر راویان و محدثان را به خوبی می شناخت و از

دودمان و خاندان آنان کاملاً مطلع بود، به حدی که توگویی او به تنهایی آئینه تمام نمای راویان و ناقلان حدیث و صاحبان تصانیف است، عبارت است از علامه کبیر، نسابة شهیر، رجالی خبیر و نقاد بصیر، احمد بن علی ابوالعباس نجاشی اسدی کوفی (رضوان الله علیه)، نجاشی در ماه صفر سال ۳۷۲ قمری در شهر کوفه دیده به جهان گشود<sup>۲۷</sup> و در خانواده ای اصیل و بزرگوار تربیت شد، نسب وی به عدنان جد بیستم رسول خدا (ص) می رسد<sup>۲۸</sup> و در نتیجه از اعراب اصیل و

.....  
۱۸ - رجال نجاشی، ص ۲۱۶.

۱۹ - رجال نجاشی، ص ۳۶.

۲۰ - الذریعة، ج ۱۰ ص ۸۲، ابراهیم بن محمد تقفی همان مؤلف کتاب «الفارات» است که بحمد الله کتاب الفارات او موجود و اخیراً با کوشش و تصحیح مرحوم محدث ارموی به چاپ رسیده است.

۲۱ - رجال نجاشی، ص ۸۱.

۲۲ - اصل این کتاب که موسوم بوده به «معرفة الناقلين عن الائمة الصادقين» در دست نیست، ولی گزیده ای از آن به تحریر شیخ طوسی، موجود و اخیراً به طبع رسیده است.

۲۳ - رجال نجاشی، ص ۳۳۷.

۲۴ - رجال نجاشی، ص ۳۸۳.

۲۵ - رجال نجاشی، ص ۸۳ - ۸۴.

۲۶ - رجال نجاشی، ص ۳۹۱، الذریعة، ج ۱۰ ص ۸۳.

۲۷ - رجال علامه (خلاصه)، ص ۲۱.

۲۸ - رجال نجاشی، ص ۱۰۱.

حجازیون به شمار می آید، یکی از اجداد معروف وی عبدالله بن نجاشی است که خود نجاشی (ابوالعباس) به خاطر معروفیت او، به نجاشی ملقب و مشهور شده است، عبدالله نجاشی، والی و استاندار اهواز بود،<sup>۲۹</sup> وی نامه ای به حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) نوشت و از حضرتش درخواست موعظه و راهنمایی نمود، حضرت نامه ای بس پرمحتوا و وزین در پاسخ او نگاشت و برایش فرستاد، نامه مزبور به الرسالة الاهوازیه<sup>۳۰</sup> معروف است.

علی بن احمد، پدر ابوالعباس نجاشی از دانشمندان و محدثان کوفه بود، لذا نجاشی نخست نزد پدر به تعلیم و فراگیری علوم پرداخت، و سپس پیش دیگر اساتید بزرگ و استوانه های علم، که هر کدام ستاره درخشان آسمان علم و دانش بودند به کسب فیض پرداخت که اسامی تعدادی از آن بزرگواران بدین شرح است:

محمد بن محمد، شیخ مفید،  
 ابوالعباس ابن نوح سیرافی، حسین بن عبیدالله غضائری، محمد بن علی قتانی، محمد بن علی بن شاذان قزوینی، احمد بن محمد بن عمران (ابن الجندی)، احمد بن عبدالواحد (ابن

عبدون) و...

ابوالعباس نجاشی به خاطر شرائط خاصی که در او جمع شده بود، یکی از بهترین متخصصان فن رجال شد چرا که:

اولاً: خود از خاندان و دودمان عرب بود.

ثانیاً: عرب شناس ماهر و کم نظیری بود.

ثالثاً: اساتید وی مجتهدین فن رجال بودند، مانند ابن غضائری، ابوالعباس سیرافی و...

رابعاً: او فقط همین یک رشته را انتخاب کرد و سراسر عمر پربرکتش را وقف این علم نمود.

نجاشی در ماه جمادی الاولی سال ۴۵۰ قمری در مطربآباد سامرا دیده از جهان فرو بست<sup>۳۱</sup> و اقیانوسی بی کران

.....

۲۹ - عبدالله نجاشی از جانب منصور دوانقی والی و استاندار اهواز شده بود و از این امر ناراحت و نگران گشته لذا نامه ای به محضر مقدس امام صادق (ع) نوشت و از حضرت کسب تکلیف کرد و از ایشان راهنمایی خواست، حضرت در پاسخش فرمود: همانجا و در همان پست بمان، ولی به مجانب آل محمد (ص) خدمت کن.

۳۰ - رسائل شهید ثانی، طبعی، ص ۳۳۳ - ۳۲۷، وسائل ج ۱۲، ص ۱۵۰ - ۱۵۵.

۳۱ - ابن، تاریخ قوت مشهور نجاشی است که علامه آن را در رجال خود صفحه ۲۱ ذکر کرده

از تراجم و رجال در زیر خاک پنهان شد، لکن خوشبختانه دریایی از آن اقیانوس را به صورت مرکب بر روی کاغذ آورد که هم اکنون دل‌های تشنه محققان و اندیشمندان، از آن آب زلال سیراب می‌شوند و به روح مقدس آن بزرگ مرد اسلام درود می‌فرستند.

نجاشی دارای تألیفاتی بود بدین

شرح:

۱ - فَهْرِسْتُ أَسْمَاءِ مُصَنِّفِي الشِّيْعَةِ

(رجال نجاشی).

۲ - جُمُعَةٌ وَمَا وَرَدَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ.

۳ - الْكُوفَةُ وَمَا فِيهَا مِنَ الْأَثَارِ

وَالْقَضَائِلِ.

۴ - أَنْسَابُ بَنِي نَضْرَبْنِ قَعْبِنِ

وَأَبْنَاءِهِمْ وَأَشْعَارِهِمْ.

۵ - مُخْتَصَرُ الْأَنْوَارِ وَمَوَاضِعِ

النُّجُومِ الَّتِي سَمَّيْنَاهَا الْقَرَبَ. ۳۲

رجال نجاشی

گرچه عظمت و شهرت بی حد و حصر نجاشی و کتابش سراسر جهان علم را فرا گرفته و کمتر کسی از علماء و محدثین یافت می‌شود که اندکی با علم رجال و تراجم سروکار داشته باشد، ولی نجاشی و کتاب رجال او را نشناسد، لکن به گفته شاعر:

مدح تعریف است و تخریق حجاب

فارغ است از مدح و تعریف، آفتاب

مادح خورشید مذاح خود است  
که دو چشم روشن و ناقرمداست  
چند سطری نگاشته می‌شود.  
رجال نجاشی یا به عبارت دیگر،  
فهرست اسماء مصنفی الشيعة در دو جزء  
تألیف شده و دارای اسامی ۱۲۶۹ نفر  
می‌باشد که همگی آنان، جز چند  
نفری، شیعه امامی هستند و هر کدام  
صاحب تألیف و کتاب بوده‌اند.

روش نجاشی در تألیف کتابش

این است: کسانی را که شیعه امامی

نیستند متذکر می‌شود، ولی درباره

شیعیان، اکثر موثقیین را صریحاً توثیق

می‌نماید (البته برخی را در ضمن

شرح حال دیگران) ضعیفاً و کسانی را

که دارای مذهب فاسدند نیز صریحاً

بیان می‌کند، اما عده‌ای را نه صریحاً

توثیق نموده و نه تضعیف، لذا در مورد

این گروه اختلاف است که آیا ایشان

هم امامی هستند و هم موثق؟ و یا به

عکس نه امامی هستند و نه موثق؟ و یا

.....

→ است، لکن علامه بزرگوار و رجالی معاصر استاد  
محمدتقی شوشتری می‌گوید: فوت نجاشی بعد از  
سال ۴۶۳ ق بوده است، «قاموس الرجال»، ج ۱ ص  
۳۴۷، ولی استاد شبیری زنجانی همان نظریه مشهور  
را قبول دارد، برای آگاهی از استدلال طرفین، رجوع  
کنید به مجله «نورعلم» دوره اول شماره ۱۱ و ۱۲،  
مقاله استاد شبیری زنجانی.

۳۲ - رجال نجاشی، ص ۱۰۱.



اینکه امامی غیر موثق می‌باشند؟

رجال نجاشی به جز در چند مورد، طبق ترتیب حروف معجم تنظیم شده ولی حرف دوم، سوم و... و اسامی پدران، طبق ترتیب حروف نیست. لذا بعدها برخی از علماء آن را طبق حروف الفبا، منظم و مرتب نمودند.<sup>۳۳</sup> کتاب مذکور قریب هزار سال است که بهترین مرجع و منبع شناخت تألیفات راویان و محدثان جهان تشیع و جرح و تعدیل آنان بشمار می‌رود. فقهاء، متفکران و دانشمندان شیعه، نسل به نسل آن را مهمترین منبع و مأخذ خود در علم رجال و شناسایی تألیفات، قرار داده و به آن اعتماد و اتکال کرده و گفته‌های آن را پذیرفته‌اند، احدی از این کتاب اعراض ننموده و هیچ فردی به آن طعن نزد، بلکه آن را از تمامی کتابهای رجالی متقن‌تر و موثق‌تر دانستند.<sup>۳۴</sup> شیعه، هم چنانکه در علم حدیث چهار کتاب بسیار معتبر و معروف دارد که به ترتیب عبارتند از: کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار که اصطلاحاً به آنها کتب اربعه گفته می‌شود، چهار کتاب بسیار مهم و اساسی نیز در علم رجال دارد، که عبارتند از: رجال نجاشی، رجال کشی،

رجال شیخ و فهرست شیخ،<sup>۳۵</sup> و همان گونه که کتاب شریف کافی مرحوم کلینی در بین آن چهار کتاب، از همه مهمتر و جامع‌تر است، رجال نجاشی نیز در بین این چهار کتاب از کلیه آنها بهتر و جامع‌تر می‌باشد. دانشمند عظیم الشأن شیعه مرحوم علامه سید محمد مهدی بحر العلوم (رحمة الله علیه) دربارهٔ نجاشی این گونه نگاشته است:

أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ النَّجَاشِيِّ - رَجُلٌ  
أَلَّفَ - أَخَذَ مُسَابِيحَ الْبَيِّنَاتِ وَالْعُدُولِ  
الْأَلْبَابِ مِنْ أَعْظَمِ أَزْكَانِ الْجَرِيحِ  
وَالْتَّعْدِيلِ وَأَعْلَمِ عُلَمَاءِ هَذَا السَّبِيلِ،  
أَجْمَعَ عُلَمَاءُنَا عَلَى الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهِ  
وَأَلْطَبُوا عَلَى الْإِسْتِنَادِ فِي أَحْوَالِ الرِّجَالِ  
إِلَيْهِ.<sup>۳۶</sup>

احمد بن علی نجاشی که رحمت خدا بر

.....  
۳۳ - مانند مولی عنایة الله قهپانی و شیخ

داود بن حسن جزائری، الذریعة، ج ۱۰ ص ۱۵۵.  
۳۴ - البته روشن است که نجاشی معصوم نبوده و بعضاً اشتباهاتی دارد، مانند اینکه فطمی بودن عمارساباطی را متذکر نشده و... استاد شبیری زنجسانی تعلیقات نقد گونه‌ای بر رجال نجاشی نوشته‌اند که چند مجلد می‌شود و در آینده به چاپ خواهد رسید.

۳۵ - الذریعة، ج ۱۰، ۸۰، ۸۱.

۳۶ - رجال بحر العلوم، ط مکتبة الصادق، ج ۲

ص ۳۵.

اوباد، یکی از اساتید بزرگ مورد اعتماد و عادل و استوار است، وی از بزرگترین ارکان جرح و تعدیل و داناترین دانشمندان این راه است، علمای ما در اعتماد بر او و وصحت گفته هایش در احوال راویان حدیث، اجماع و اتفاق نظر دارند.

محدث شهیر و متتبع کبیر، مرحوم حاج میرزا حسین نوری (علیه الرحمة) نیز چنین نوشته است:

أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ... النَّقَّادُ  
الْبَصِيرُ، الْمُضْطَلِّعُ الْخَبِيرُ، الَّذِي هُوَ  
أَفْضَلُ مَنْ خَلَّفَ فِي قَلْبِ الرَّجَالِ بِقَلَمٍ  
أَوْ نَطَقَ بِفَمٍ، فَهُوَ الرَّجُلُ كُلُّ الرَّجُلِ،  
لَا يُقَاسُ بِسِوَاهُ وَلَا يُعَدَّلُ بِهِ مَنْ عَدَاهُ،  
كُلَّمَا زِدَتْ بِهِ تَخْفِيفًا زِدَّ دَلَّتْ بِهِ وَثُوقًا  
وَهُوَ صَاحِبُ الْكِتَابِ الْمَشْرُوفِ الدَّائِرِ  
الَّذِي إِتَّكَلَ عَلَيْهِ كَأَنَّهُ الْأَضْحَابُ. ۳۷

ابوالعباس احمد بن علی... نقاد آگاه و دانائی قوی است، او بهترین کسی است که در فن رجال مطلب نوشته و یا سخن گفته، پس او مرد علم، بلکه تمام مرد این میدان است، با دیگران قابل مقایسه نبوده و احدی با وی هم پایه نیست، هر چه درباره اش بیشتر تحقیق کنی، بر اعتمادت افزوده می شود، او صاحب کتاب معروف و مورد استفاده ای است که تمام علمای شیعه به آن اعتماد دارند.

و همچنین علامه عالی مقام مرحوم

شیخ آقا بزرگ تهرانی (اعلی الله مقامه) می نویسد:

رِجَالُ النَّجَاشِيِّ عُمْدَةُ الْأُصُولِ  
الْأَزْتَمَةِ الرَّجَالِيَّةِ نَظِيرُ الْكَافِي بَيْنَ  
الْكِتَابِ الْآزْتَمَةِ. ۳۸

رجال نجاشی عمده ترین کتاب از کتابهای چهارگانه اصلی علم رجال است، مانند کتاب کافی در بین کتابهای چهارگانه حدیثی.

تعدادی از علمای بزرگ نیز بر تقدم رجال نجاشی، بر کتب رجالی دیگران تصریح نموده اند، علامه بحر العلوم در این باره می گوید:

وَيَتَّقِدِيمِهِ صَرَّحَ جَمَاعَةٌ مِنَ  
الْأَضْحَابِ، نَظَرًا إِلَى كِتَابِهِ الَّذِي  
لَا تَنْظِيرَ لَهُ فِي هَذَا السَّبَابِ وَالظَّاهِرُ هُوَ  
الصَّوَابُ. ۳۹

گروهی از دانشمندان شیعه به تقدم نجاشی بر دیگر رجالیون تشیع تصریح کرده اند و این به خاطر کتاب رجالش است که نظیری برای آن در این فن نیست و ظاهراً همین سخن هم صحیح است.

### امتیازات و ویژگیها

رجال نجاشی دارای امتیازات و

۳۷ - مستدرک الوسائل، ط اسماعیلیان، ج ۳

ص ۵۰۱.

۳۸ - الذریعة، ج ۱۰ ص ۱۵۴.

۳۹ - رجال بحر العلوم، ج ۲ ص ۴۶.

خصوصیات بسیار زیادی است که پاره‌ای از آنها چنین است:

الف - نجاشی، رجالش را پس از تألیف رجال و فهرست شیخ طوسی نوشت،<sup>۴۰</sup> لذا از این دو کتاب مهم کمال استفاده را نمود.

ب - نجاشی در فعالیت‌های علمی یک رشته را انتخاب نمود و فقط در تراجم و رجال کارکرد و چون ذی فن بود نه ذی فنون، لذا در این فن، یکتا مجتهد متبحر شد و از مهارت و تخصص کم نظیری برخوردار گشت.

ج - یکی از ارکان و مسائل اساسی علم رجال، شناسایی افراد و روایان حدیث از نظر دودمان، خاندان، طوائف، قبائل و نسب آنها است، ابوالعباس در این علوم نیز خیره و صاحب نظر بود، به طوری که کتابی مستقل در علم نسب نوشت.<sup>۴۱</sup>

د - نجاشی در متحضر تعدادی از بهترین اساتید فن رجال تَلَّمَد نمود و به یک یا دو استاد اکتفاء نکرد، دو تن از اساتید نام آوری، ابن سراج و ابن غضائری بودند که هر دو از عظیم ترین دانشمندان رجالی جهان تشیع هستند.

ه - ابوالعباس واقعاً علاقمند و شیفته علم رجال بود و در آن علم بسیار

زحمت کشید و به هر نحوی که امکان داشت می‌کوشید تا از اوضاع و احوال روایان و ناقلان حدیث، مطلع شود، گویا وی به علماء و دانشمندان بزرگ رجالی نامه نوشته و از آنان درباره برخی از روایان و مؤلفان شیعه سؤال می‌کرد و پاسخ دریافت می‌نمود، هم چنانکه در رجالش اشاره‌ای به این مطلب دارد.<sup>۴۲</sup>

و - رجال نجاشی محصول یک عمر تلاش و کوشش او است و بیش از نیم قرن روی آن کار کرده و این طور نبوده که مثلاً در مدتی آن را بنویسد و بعد کنار بگذارد، بلکه تا آخر عمرش روی آن زحمت کشیده است.<sup>۴۳</sup>

ز - رجال نجاشی نسبت به کتابهای رجالی پیشین مفصل تر و جامعتر است و این نکته به کتاب، ارزش خاصی بخشیده است.

### فهرست و رجال

فرق بین فهرست و رجال این است

.....  
۴۰ - رجال بحر العلوم، ج ۲ ص ۴۶.

۴۱ - رجال نجاشی، ص ۱۰۱.

۴۲ - رجال نجاشی، ص ۶۰.

۴۳ - مطلب مذکور از ترجمه محمد بن عبدالملک (ص ۴۰۳) که متوفای ۴۱۹ است و ترجمه سید مرتضی (ص ۲۷۱) که در گذشته به سال ۴۳۶ است، به دست می‌آید.

که: در فهرست نام مؤلفین و مصنفین طبق حروف «معجم» با اسامی کتابهایشان ذکر می‌شود، یعنی انسان‌شنایی با تألیفات و مصنفات آنان پیدا می‌کند، ولی در رجال، احوال راویان و ناقلان حدیث مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، در فهرست، هدف نخست شناسایی آثار و تألیفات اشخاص است، اگرچه در درجه دوم، احوال و اوضاع مؤلف نیز مورد بحث و گفتگو واقع می‌شود لکن در رجال، غرض و هدف اصلی، آشنائی با اوصاف و احوال روات است و بالعرض صحبت از کتابها و تألیفات آنان نیز می‌شود و معمولاً به ترتیب حروف معجم نیست، بلکه طبقاتی بوده، یعنی روات قرن اول بعد دوم و... یا اول اصحاب پیامبر (ص) بعد اصحاب علی (ع) و... است، لذا این دو علم دارای وجه اشتراک بوده و خیلی به هم نزدیک هستند.<sup>۴۴</sup>

نجاشی که رجالش را به اشاره بزرگ شخصیت جهان تشیع سید مرتضی (رحمه الله) نگاشته است و هدفش هم معرفی و شناساندن تألیفات و آثار قلمی شیعیان بوده،<sup>۴۵</sup> لذا نام آن را فهرست اسماء مصنفی الشيعة نهاده،<sup>۴۶</sup> ولی در عین حال از اوصاف

و احوال مؤلفان و جرح و تعدیل آنان نیز سخن گفته، نجاشی خود، در آغاز جزء دوم کتابش به این امر تصریح کرده و فرموده: وَمَا قِيلَ فِي كُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ مِنْ مَذْحِ آذَمٍ<sup>۴۷</sup> و به خاطر همین است که در پایان جزء اول اثرش، آن را کتاب الرجال نامیده است.<sup>۴۸</sup>

### چاپ رجال نجاشی

همان گونه که اشاره شد رجال نجاشی از دیرباز مورد استفاده فقهاء و علمای شیعه بوده است، نسخه‌های آن را تهیه می‌نمودند و از آن بهره می‌بردند، گویند تا این اواخر نسخه‌ای از آن که متعلق به قرن ششم بوده در دست بوده است، ظاهراً نخستین چاپ کتاب رجال نجاشی، چاپ سنگی است که در ۳۴۰ صفحه و به همت مرحوم حاج شیخ علی حائری محلاتی در سال ۱۳۱۷ قمری در شهر بمبئی هندوستان انجام شده،<sup>۴۹</sup> در این طبع، فهرستی نیز

۴۴ - در اینجا، بنا بر تحقیق این موضوع نبود، لذا احتمال دارد فرقه‌های دیگری نیز بین فهرست و رجال باشد، برای آگاهی از موضوع علم رجال رجوع شود به قاموس الرجال، ج ۱ ص ۱۸.  
 ۴۵ - رجال نجاشی، ص ۳.  
 ۴۶ - رجال نجاشی، ص ۲۱۱.  
 ۴۷ - رجال نجاشی، ص ۲۱۱.  
 ۴۸ - رجال نجاشی، ص ۲۰۹.  
 ۴۹ - الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۵۵. این نظریه

به آخر کتاب افزوده شده است و پس از آن به صورت چاپ حرفی در ایران به طبع رسید، این چاپ که با تصحیح جلال‌الدین غروی و به همت مرکز نشر کتاب به طبع رسیده، مشهور به چاپ مصطفوی است، و در این چاپ نیز فهرستی به ترتیب حروف الفباء در ۳۱ صفحه (البته بدون ذکر نمودن صفحات) در آخر آن آمده است و در قم همان طبع بمبئی در ۳۶۰ صفحه با یک مقدمه و مختصر اصلاحی افست شده است، چاپهای یاد شده، هر کدام به نوبه خود دارای اغلاط و اشتباهاتی است که هیچ کدام مطلوب نبوده و فراخور شأن کتاب نجاشی نیست، ولی اخیراً (سال ۱۳۶۵ شمسی) کتاب مزبور با تصحیح و تحقیق بسیار دقیق و مقدمه کوتاه رجالی معاصر و استاد محقق جناب آقای سید موسی شبیری زنجانی، از طرف مؤسسه انتشارات اسلامی به چاپ رسید، استاد زنجانی با آن دقت نظر و ظرافت بصر که اختصاص به خود ایشان دارد، رجال نجاشی را تصحیح و تحقیق نمودند و همان طور که خودشان در مقدمه یاد آور شده‌اند، با چهارده نسخه مقابله نموده و آصح آن را انتخاب کرده‌اند و در ضمن به بسیاری از کتب

رجالی نیز مراجعه نموده‌اند، ایشان در ابتدای نام هر فرد، شماره مسلسل را داخل کروشه ذکر کرده‌اند که این کار برای سهل الوصول بودن مطالب کتاب بسیار سودمند است، و همچنین نام مؤلف و راوی مورد بحث با نام پدر و جدش (و یا فقط پدرش) برای عنوان مطلب با حروف درشت درج شده که این خود، به کتاب زیبایی و جذابیته خاصی داده است.

مصحح محترم، کلمات مشکل و اسامی نامأنوس را اعراب گذاری دقیقی نموده که به نظر نگارنده، کار مذکور بهترین و مهمترین کار برای یک مصحح است و نیز فهرست اعلامی به ترتیب حروف معجم در آخر کتاب آمده که تا حدود زیادی مشکل گشا است.

انصافاً مصحح، زحمات زیادی را متحمل شده و چندین سال روی کتاب کار کرده است و آن طور که اینجانب شنیدم حتی مقابله کتاب به وسیله خود ایشان انجام شده است.

.....

→  
مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی است ولی برخی می‌گویند: رجال نجاشی را برای نخستین بار «اشپز پُنگیر» آلمانی که از طرف دولت انگلستان کتبه‌های هندوستان را فهرست می‌کرد، در سال ۱۳۰۰ ق به چاپ رساند.

### تذکراتی در مورد چاپ جدید

با اینکه از مصحح کتاب باید کمال تشکر و سپاسگذاری را داشت و از ایشان قدردانی کرد و بی شک سعیشان مشکور و کارشان مأجور است، با این حال رعایت نکات زیر، برحسن کتاب می افزود.

۱ □ - خوب بود مصحح محترم مقدمه ای نسبتاً مفصل درباره نجاشی و رجالش و چگونگی کتاب و موضوع آن، و نیز روش نجاشی در جرح و تعدیل، و همچنین روش خود در تصحیح و گزینش نسخ و... می نوشتند، تا مورد استفاده مراجعه کنندگان واقع شده و نسبت به کتاب، بصیرت و آگاهی بیشتری پیدا می کردند.\*

۲ □ - گویا مطالبی که داخل پرانتز با رمز «ظ» آمده تصحیحات مصحح بوده که در هیچ یک از نسخ موجود نبوده است و کلماتی که داخل پرانتز آمده نسخه بدل و الفاظی که داخل قلاب آمده، اضافات بعضی نسخ است، پس بهتر بود این مطلب را متذکر می شدند.

۳ □ - بزرگترین اشکالی که بر ناشر وارد است این است که، نام مصحح روی جلد کتاب نیامده و این،

بزرگترین نقص این چاپ به حساب می آید! چرا که اهل فن می دانند اگر کار مصحح نباشد طبع جدید کتاب، ارزش چندانی نداشته، بلکه فقط یک استنساخ جدیدی از آن خواهد بود، بدیهی است، اگر کسی از برنامه چندین ساله تحقیق و تصحیح این کتاب اطلاع نداشته باشد، از خود کتاب به آسانی نمی تواند بفهمد که مصحح روی آن چند سال وقت صرف کرده است.

۴ □ - همچنان که در اول جزء دوم کتاب آمده، خود مصنف کتابش را به نام فهرست اسماء مصنفی الشیعة نامیده است، لذا بهتر بود که این نام، با خط ریز روی جلد کتاب نوشته می شد، همان طور که در صفحه اول آمده است، گرچه خودنجاشی در جای دیگر، کتابش را به اسم رجال، معرفی کرده است.

۵ □ - در مورد فهرست اعلامی که در پایان کتاب آمده باید دو کار انجام می شد، اولاً: تذکر می دادند که اعداد،  
.....

■ - گویا مصحح محترم حضرت آیه الله شبیری زنجانی در نظر دارند، ضمن مقاله ای نسخ مورد استناد و روش تصحیح و گزینش نسخ را توضیح دهند، دفتر مجله

طبق شماره مسلسل اسامی افراد است نه صفحه کتاب و ثانیاً: خوب بود همان گونه که مقابل نام افراد شماره مسلسل آنها است، قبل از نام آنان نیز شماره صفحه می آمد.

۶ □ - بسیاریه جای بود برای افرادی که به کنیه یا لقب مشهورند، فهرست دیگری طبق کنیه یا لقب آنان ترتیب داده می شد، تا برای استفاده از کتاب مشکلی پیش نیاید.

۷ □ - در شماره های فهرست اعلام بعضاً اشکالاتی به چشم می خورد، مانند صفحه ۴۷۸ درباره مسعودی صاحب کتاب «مروج الذهب»

که شماره مسلسل او ۶۴۵ ذکر شده، و حال آنکه صحیحش ۶۶۵ است.

۸ □ - در بسیاری از صفحات لفظ «ابن» در سر سطر بدون الف آمده، که از نظر رسم الخط، غلط و صحیح آن با «الف» است. البته ناگفته نماند که نواقص مذکور به هیچ وجه از عظمت کار مصحح و دست اندرکاران چاپ نمی کاهد و زحمات آنان همچنان در جایگاه بلند خود محفوظ است، لکن امیدواریم که در چاپ دوم، این نواقص نیز برطرف شود.

پایان

### امام خمینی مدظله العالی:

من چنانچه سابقاً نیز گفته ام راجع به حوزه علمیه عقیده ام بر این است که باید به آن بیشتر از همه چیز توجه کرد. چرا که حوزه علمیه اگر درست بشود ایران درست میشود و اگر خدای نخواستند در حوزه علمیه فساد بوجود آید ولو در درازمدت، در سرتاسر ایران آن فساد پیدا میشود...  
... فضیله تحصیل هم باید بنحوی باشد که فقه سنتی فراموش نشود و آنچه چیزی که تا بحال اسلام را نگه داشته است همان فقه سنتی است و همه هفت ها باید معطوف این بشود که فقه به همان وصفی که بوده است محفوظ باشد.  
ممکن است اشخاص بگویند که باید فقه تازه ای درست کرد که این آغاز هلاکت حوزه است. و روی آن باید دقت بشود...  
... و دیگر اینکه اخلاق باید در همه جا و در همه دروس مورد توجه قرار گیرد. و اعتقاد به این است که باید هر کس حوزه دینی بزرگ یا کوچکی دارد یکی دودقیقه مقدماً یا مؤخرتاً درس اخلاق بگوید که طلاب با اخلاق اسلامی بار بیایند...

۶۵/۱۱/۵